

دکتر سید موسی صمیمی

می سال ۲۰۱۸

# پرخاشگری دینی

- در گستره ای امپراتوری اعراب -

نظر گذرا به تاریخ فراز و فرود امپراتوری عرب  
- از ظهور پیامبر اسلام تا جنبش "بهار عربی" -

۱. پیش گفتار: "امپراتوری معاصر" در تضاد با ساختار "دولت-ملت"
۲. اوج و زوال امپراتوری های ساسانی و بیزانس: دو امپراتوری مقتدر زمان
۳. زیرساخت مادی و پیوند های اجتماعی عرب های بادیه نشین
۴. شهر مکه، زادگاه پیامبر اسلام در واحه‌ای پهناور حجاز
۵. هجرت پیامبر اسلام، ساختار "دولت-شهر مدینه"
- نخستین سنگ بنا های امپراتوری عرب -
۶. "پیامبر اسلام، بانی تیوکراسی و پایه گذار امپراتوری عرب ها
۷. "غارت و باج گیری" به مثابه زیرساخت ها برای گسترش "حاکمیت الهی مدینه"
۸. فتی شیسیم "بکارت" و تبعیض جنسیتی
۹. توجیه قرآنی "تیوکراسی اسلام" - رابطه "حاکمیت الهی" با شمشیر
۱۰. بحران جانشینی پیامبر اسلام: جدال زعامت میان «مهاجران و انصار»
۱۱. امپراتوری اموی ها: نظام موروثی، اشرافیت قریش - دمشق محور -
۱۲. امپراتوری عباسی ها: انتقال قدرت سیاسی در درون قبیله قریش - بغداد محور -
۱۳. فروپاشی امپراتوری عرب: "فرسودگی تاریخی"، اوج فرقه گرایی و فساد گسترده
۱۴. امپراتوری اسلام در رویارویی با تضاد های درونی و تهدیدهای خارجی
۱۵. فروپاشی امپراتوری عثمانی و تاثیر آشکار آن بر جهان اسلام
۱۶. مسخ فرایند فورماسیون «دولت - ملت» در جهان عرب
۱۷. گفتمان بنیاد گرایی از جنبش اخوانی تا مدرسه دیوبندی
۱۸. ابعاد فرایند تراژیدی تاریخی جهان عرب
۱۹. بهار عربی: از یک جرقه حریق برمی خیزد

۲۰. "تیوکرتاسی در رویارویی اشکار با دموکراسی

۲۱. رویکرد ها

## بخش سیزدهم

۱۳. فروپاشی امپراتوری عرب

- "فرسودگی تاریخی"، اوج فرقه گرایی و فساد گسترده -

"امپراتوری عرب بادیه نشین،" که از بدو امر، به ویژه پس از هجرت پیامبر از مکه به مدینه بنام "آیین اسلام" با خشونت شمشیر همراه بود، با ایجاد "دولت-شهر مدینه" - استوار بر "پیمان مدینه" - توسط خود پیامبر اسلام پایه گذاری گردید. این امپراتوری با حکم روایی خلفای راشدین - مطابق به آیات سیف و سنت پیامبر اسلام - از استحکام برخوردار گردید؛ در زمان اموی ها، این قشر مرفه قریش، گسترش چشمگیر پیدا کرده و در زمان عباسی ها، قشر نیمه مرفه قریش و متولیان چشمه زمزم - در فرایند درهم آمیختگی با فرهنگ های غیر و نفوذ اهالی امپراتوری های مضمحل شده - به اوج عظمت سیاسی-نظامی رسیده و از شکوفایی ویژه فرهنگی برخوردار گردید.

در نگاه نخست اگر هم چشمی های گسترش سلطه گرایی، فشار روز افزون بر بخش زراعت و کساد تجارت ترانزیت و در اخیر اختلافات درونی امپراتوری های ساسانی و بیزانس، زمینه ساز در هم ریزی این دو امپراتوری زمان گردیدند، جهش اعراب فاقد نعمات دنیوی ولی آراسته با زور شمشیر توأم با آرزوی مزد دنیوی (غنیمت مال و زن) و آرمان اجر اخروی (بهشت و حور) بالاخره جغرافیای زمان را دوباره رقم زد.

اگر هجرت پیامبر را از مکه به یثرب (۱۶م جولای ۶۲۲ میلادی) و ایجاد "دولت-شهر مدینه" را به مثابه نخستین جهش امپراتوری عرب تحت لوای اسلام بپذیریم، این امپراتوری پس از شتاب زمانی و گسترش خارق العاده در باختر و خاور، در قلمر امپراتوری های ساسانی و بیزانس تحت حکمفرمایی قریش (تاجران قشر مرفه مکه و متولیان کعبه و چشمه زمزم) با هجوم هلاکو، یکی از رزم آوران مغول بر بغداد، پایتخت عباسی ها (در ۱۲ام ۱۲۵۸ میلادی) مضمحل گردید. با ورود هلاکو در پایتخت با شکوه امپراتوری عباسی ها صد ها هزار نفر (مورخین از هشت صد هزار نیز سخن گفته اند) به قتل رسیدند. [۹۲]

در این قطار هزاران دانشور، شاعر و عالم نیز دخیل بودند. در این حملات کتاب خانه ها برباد رفته و کتاب ها طعمه آتش گردیده و همچنان نهاد های علمی تخریب گردیدند.

در امپراتوری اعراب - نظر به تلفیق فرهنگ های باستانی با حکمرانی الیگارشلی قریش - ما شاهد بسط علوم، بروز فکر انتقادی متأثر از نظرات یونان باستان و گسترش حرفه های تولیدی برای رونق اقتصادی و پیوند های اجتماعی گروه های نامتجانس قلمرو اسلام بودیم.

البته که هزینه های این همه مشاغل بدون درآمد های سرشار دولتی ناشی از رونق اقتصادی سرتاسری برآورده شده نمی توانست. نظام اداری الیگارشلی قریش استوار بر تجارب امپراتوری های ساسانی و بیزانس از یک سو بایست هزینه های جنگی و مخارج هنگفت درباریان را تکافو میکرد، از سوی دیگر می بایست از مازاد این درآمد ها رو بنای فرهنگی در خور نظام سیاسی-اجتماعی امپراتوری عرب شکل میگرفت. در زمان هارون الرشید، خلیفه عباسی درآمد سالانه امپراتوری بیشتر از ۵۳۰ میلیون درهم بوده است، در حالی که در این رقم مالیات جنسی شامل نمی باشد. نظر به همین سطح بلند درآمد، دارایی دولت عباسی در سال ۷۸۶ به بیش از نه صد میلیون در هم ثبت گردیده است. [۹۳] البته در کنار مالیات بر زراعت، تولیدات دستی و تجارت، که بنام های مختلف اخذ میگرددند، تجارت برده ها یک رقم درشت امپراتوری تلقی میگردد. چنانچه مقتدر، خلیفه عباسی یازده هزار برده داشت. در همین زمان از فروش سه صد هزار برده از افریقا و سی هزار کنیز از اندلس تذکر رفته است. [۹۴]

گرفتن اسیران غیر مسلمان به مثابه برده و کنیز، اصل بود مطابق به "آیین اسلام". جنگ آوران اسلام از سرزمین های مفتوحه، از افریقا تا آسیای مرکزی غلام و کنیز را در بازار برای فروش عرضه میکردند. طفل یک مرد و زن برده، برده شمرده میشد. ولی طفل یک مرد آزاد با یک کنیز برده آزاد به حساب میرفت. از همین زناشویی های مردان آزاد، به ویژه شاهان و شاهزادگان با کنیزان، پسرانی بدنیا چشم باز کرده اند که حتی در مقابل "ولی نعمتان و پدران تجاوز گر شان" قیام کرده و خود اساس امپراتوری های بزرگ را گذاشته اند. سلطان محمود غزنوی (۹۷۱ تا ۱۰۳۰)، محصول همین نوع "هم بستر شدن" سبکتکین، پدرش (مرد آزاد) با یک کنیز زر خرید بود، که با سه صد هزار مرد جنگی از راه مولتان و اجمیر بر سرزمین هند حمله برده و با تخریب بت سومنات، بنام "بت شکن" در تاریخ ثبت گردیده است. اینکه ابوالقاسم محمود سبکتکین ملقب به سیف الدوله و یمین الدوله پسر شاه بانو نبوده، ابوالقاسم فردوسی در "هجو نامه" ای که به مناسبت عدم وفاداری سلطان به پرداخت پول برای سرودن "شاهنامه"، شاهکار حماسی فارسی سروده است، افشا میگردد:

"اگر شاه را شاه بودی پدر

به سر برنهادی مرا تاج سر

و گر مادر شاه، بانو بودی

مرا سیم و زر تا به زانو بودی

پرستار زاده نیاید به کار

و گر نه چند دارد پدر شهریار"

میگویند که محمود غرض دل جویی فردوسی معادل ۶۰ هزار دینار هدیه برای او به طایران فرستاد. ولی زمانی که کاروان هدیه سلطان از یکی از دروازه های شهر موسوم به "رود بار" داخل گردید، پیکر فردوسی را از دروازه "رزان" به بیرون میبردند. دختر با شهادت فردوسی از گرفتن "هدیه" خودداری کرد. [۹۵]

یکی دیگر از منابع درآمد امپراتوری عرب گرفتن جزیه، مالیات سر از غیر مسلمانان بود. حکمرانان اسلام با وجود ادعای آیین اسلام آنقدر هم آرزو نداشتند که "کفار" قلمرو های مفتوحه به اسلام روی آورند؛ چون این امر از طریق عدم

پرداخت جزیه منجر به کم شدن سطح درآمد دولتی میشد. چنانچه وقتی والی مصر در سال ۷۴۴ به غیر مسلمانان مصر از امر معافیت جزیه در صورت مسلمان شدن اطلاع داد، بیست و چهار هزار نفر - نظر به کم ساختن بار مالیات - مسلمان شدند. در کنار این انگیزه اقتصادی، امنیت جانی و مصونیت از قید بردگی و اسیر شدن، عوامل دیگر محسوب میگردند، که در قلمرو های مفتوحه دیگر کیشان، نه از روی عقیده دینی بلکه نظر به ملاحظات اقتصادی و امنیتی مجبور به پذیرش دین اسلام میگردیدند.

برندگان که ارباب با آنها به مثابه حیوانات رفتار میکردند، فاقد همه چیز، به جز نیروی کار بوده و دست خوش ستم و اجحاف ناشی از حلقه غلامی قرون اوستایی بودند. البته در کنار مقاومت های انفرادی، پراکنده و خود جوش ما در تاریخ امپراتوری عرب شاهد یک قیام منظم و هدفمند بردگان در قرن نهم میلادی نیز می باشیم. در حومه شهر بصره تعداد زیاد بردگان سیاه پوست (زنگیان) در کارگاه های "جمع آوری شوره" - سو دیم نیترات - تحت شرایط طاقت فرسای بردگی کار میکردند. شخصی بنام علی، که خود را به خانواده علی ابن ابو طالب منسوب میدانست، بردگان را به قیام فراخوانده و نوید آزادی و ثروت داد. برده های کارگر به این خواست پاسخ داده، در سال ۸۶۹ میلادی هدفمند دست به قیام زدند، مواد غذایی انباشت کردند، به ساختن خانه و کاشانه پرداختند. کارفرمایان حوزه به کمک حکمرانان خواستند تا رهبری قیام را تطمیع اقتصادی کنند. به علی، رهبر قیام پیش نهاد کردند، که برای برگشت هر برده به شرایط قبل از قیام پنج دینار میدهند. رهبری قیام به رد این پیش نهاد برآمده، و به اضافه آن دامن قیام را گسترش داد. یک سال بعد گستره قیام زنگیان به شهرک "او بالا" رسیده و به اندک زمان دیگر این قیام تا دروازه های بغداد گسترش پیدا کرد. قیام بردگان منجر به مسدود کردن راه های تجاری و بلند رفتن قیمت مواد ارتزاقی گردید. این قیام که از سال ۷۶۹ تا ۷۸۳ میلادی، چهارده سال دوام کرد، بالأخره توسط شمشیر زنان "خلیفه موفق" سرکوب گردیده، علی را کشتند و سرش را نزد خلیفه بردند. خلیفه و درباریان از "مرحمت خداوند" سجده ای شکر بجا آوردند. این قیام در هر دو طرف منجر به تلفات زیاد و خونریزی های وحشتناک گردید. نظر به تاثیر گذاری همین قیام، ابن تولون، حکمران مصر توانست که علیه خلیفه در بغداد "تمرّد" کرده و مصر را به مثابه یکی از پر درآمد ترین ولایات از بدنه امپراتوری اسلام جدا نماید. [۹۶]

بار کمر شکن مالیات امپراتوری اعراب با مثال سرزمین هندو کش نیز بخوبی روشن میگردد:

گرچه که اموی ها باجگیر و ظالم بودند، ولی در زمان عباسی ها مالیه بر سرزمین هندو کش از چهل میلیون درهم به هفتاد میلیون درهم، یعنی ۷۵ درصد افزایش نمود. طبق آماری که عبدالحی حبیبی، مورخ شهیر کشور جمع آوری کرده است، عواید عباسی ها از خراسان زمین سالانه در حدود ۳۸ میلیون درهم نقد، دوهزار من قطعات نقره، چهار هزار ستور، یکهزار غلام، ۲۷ هزار جامه لباس و سی هزار رطل هلیله بالغ می گردید. [۹۷]

ظهور و سقوط امپراتوری اسلام، که در آن "الیگارش قریش" حاکم بود، مانند هر امپراتوری دیگر به صورت ناگهانی و یکبارگی بوقوع نه پیوسته، بلکه ناشی از یک سری از تعاملات پیچیده سیاسی، نظامی و اقتصادی تلقی میگردد. همان طور که در بطن امپراتوری اموی ها و در "تباين و تباين" بین قبایل قریش، برای هسته گذاری امپراتوری عباسی ها زمینه سازی گردید، در عین "خلافت" آخرین پادشاهان عباسی و نظر به خصلت حکم روایی نوع همین امپراتوری بذر اضمحلال آن از طریق تلاش های جدا طلبی سیاسی، علیه درهم کوبی فرهنگی و استبداد شرقی ناشی از شیوه تولیدی

استوار بر نظام مرکزی آب یاری و نقش پر ارج تجارت ترانزیتی کاشته شد؛ حملات مغول ها آخرین ضربت بود که به فرایند اضمحلال این "جهان کشایی" که مانع پیشرفت مناسبات تولید بود، منجر گردید. تاخت و تاز مغولان منجر به آشفتگی تعاملات اقتصاد شهری، ویران کردن نظام آبیاری (کاریز و قنات)، کاهش عایدات مال التجاره، از دست دادن گنجینه های علمی و تخریب مدارس علوم گردیده که در نتیجه امپراتوری بزرگ عرب را به قلمرو های تازه و چند پارچه تقسیم کرد؛ ظهور و سقوط این قلمرو ها به مثابه امپراتوری های دایم در جنگ و خصومت باهم، خود در اخیر زمینه ساز خستگی روانی، فرسودگی تاریخی، فرقه گرایی های تنگ نظر تباری، تعصبات مذهبی، فساد گسترد و از هم پاشیدگی سیاسی گردید.